



شد. «سخنرانی شاه در روز ۶ بهمن سال ۱۳۵۲، به‌دونکنه مهم اشاره می‌کرد. نخست این که ایران در حال حاضر مالک واقعی صنایع نفتی خود نیست و دوم این که ملاک اصلی برای برآورد درآمد نفتی، در مورد کشوری که به‌زعم شاه قدرتمندترین کشور خاورمیانه است، درآمدهای نفتی کشورهای تازه تأسیس جنوب خلیج فارس است. مسئله توجه به درآمدهای نفتی کشورهای حاشیه خلیج فارس، آن قدر از نظر شاه مهم بود که حتی در متن قرارداد جدید هم انعکاس پیدا کرد. ظاهر آگاه همچنان به حضور کنسر سیوم در صنایع نفتی ایران اعتقاد داشت؛ چرا که در دو پیشنهاد او، از واگذاری صنایع نفتی ایران به شرکت‌های ثالث، در قالب برگزاری مناقصه، خبری نبود. دولت‌های آمریکا و انگلیس از تصمیم شاه اظهار نگرانی کردند، اما برخلاف باور عمومی که معتقد به تداوم قرارداد نفتی کنسر سیوم توسط آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها بود، آن‌ها راه حل دوم شاه را انتخاب کردند. ظاهر آگاه حل دوم می‌توانست سود بیشتری را برای آنان تضمین کند.

به این ترتیب نمایندگان کنسر سیوم برای مذاکره با شاه در باره قرارداد نفتی جدیدی «سن موریس» محل اقامت و تفریح زمستانی شاه در سوییس، شدند. این مذاکرات خیلی زود به نتیجه رسید و اوایل اسفندماه همان سال یادداشت تفاهمی میان شاه و کنسر سیوم برای انعقاد یک قرارداد جدید امضای پنج دوره مذاکره تا ۳۰ خردادماه ۱۳۵۲، قرارداد جدید تنظیم شد. طرف‌های خارجی این کنسر سیوم شامل ۲۴ شرکت آمریکایی، ۲ شرکت انگلیسی، یک شرکت هلندی و یک شرکت فرانسوی بود. در قرارداد جدید آمریکایی‌ها تسلطی چون و چرایی بر کنسر سیوم داشتند. مدت قرارداد ۲۰ سال بود؛ واحد پول مبادلاتی به دلار تبدیل شد؛ ۳۰ درصد از عرصه فعالیت کنسر سیوم در خاک ایران کم شده بود (اما مناطق راهبردی همچنان در اختیار کنسر سیوم بود)؛ مدیریت و اجرای عملیات ظاهر آبر عهده شرکت ملی نفت ایران قرار گرفت؛ ایران کلیه هزینه‌های عملیاتی را به شرکت‌های کنسر سیوم پرداخت می‌کرد؛ ۶۰ درصد از سرمایه‌گذاری در صنعت نفت بر عهده ایران بود؛ حق استفاده انحصاری از تمام تأسیسات نفتی (به استثنای بخش داخلی و پالایشگاه‌آبادان) در اختیار کنسر سیوم قرار داشت؛ کنسر سیوم علاوه بر پرداخت‌های جانی، مکلف شد ۱۲/۵ درصد قیمت نفت را همراه با رقم تعدیلی به ایران بپردازد. رقم تعدیلی برای جبران زیان احتمالی در نظر گرفته شده بود و به‌زمانی مربوط می‌شد که درآمد نفتی ایران از درآمدهای نفتی کشورهای حاشیه خلیج فارس، کمتر شده باشد. کنسر سیوم باید تولید سالانه نفت را افزایش می‌داد و مقادیر مازاد تولید خود را برای فروش در اختیار ایران می‌گذاشت. برخی از کارشناسان معتقدند با اتخاذ این روش، ایران عملاً از تعیین قیمت نفت تولیدی خود محروم می‌شد و بخش اعظم نفت تولیدی به قیمت مورد نظر کنسر سیوم به فروش می‌رفت.

افزون بر این، شرکت‌های کنسر سیوم می‌توانستند مبادلات نفتی بین خود را با هر قیمتی انجام دهند و آن را جزو هزینه‌های شرکت منظور کنند. این امتیاز می‌توانست زمینه‌ساز درز ایران برای سود بیشتر را فراهم کند. تعداد شرکت‌ها زیاد بود و این مسئله می‌توانست هزینه‌های بیشتری هم ایجاد کند. به این ترتیب، با وجود تسلط و حاکمیت ظاهری ایران بر منابع نفتی، آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها همچنان اداره و بهره‌برداری از نفت ایران را بر عهده داشتند. یادآوری این نکته نیز اهمیت دارد که هم‌زمان با تنظیم و تصویب قرارداد کنسر سیوم دوم، آمریکا سیاست «چک سفید» را برای خریدهای تسلیحاتی ایران در پیش گرفت. به این ترتیب خرید تسلیحاتی ایران که در سال ۱۳۴۹ ه.ش به کمتر از ۸۹ میلیون دلار بالغ می‌شد، در سال ۱۳۵۳ ه.ش، پس از انعقاد قرارداد جدید، از مرز ۳ میلیارد و ۶۸۰ میلیون دلار گذشت و در سال ۱۳۵۴ به رقم خیره‌کننده ۶ میلیارد و ۳۲۵ میلیون دلار رسید. این میزان رقمی معادل ۴۰ درصد بودجه کشور بود. در واقع بخش مهمی از درآمدهای انبوه نفتی صرف خرید سلاح و کمک به کمپانی‌های اسلحه‌سازی آمریکا و انگلیس می‌شد.

قرارداد کنسر سیوم دوم تا بهمن ماه ۱۳۵۷ ادامه داشت و با پیروزی انقلاب اسلامی، لغو شد.

که در سال ۱۹۵۰ م (۱۳۲۹ ه.ش)، با تهدید به ملی کردن صنایع نفت (مانند ایران)، شرکت آمریکایی «آرامکو» را وادار کرده بود به سود ۵۰-۵۰ رضایت دهد، در سال ۱۳۵۱ ه.ش، ۲۵ درصد از سهام آرامکو را از آن خود کرد و توانست به‌سهم ۶۲/۵ درصدی از ذخایر نفتی خود دست پیدا کند و آن را در سال ۱۳۵۳ به ۸۰ درصد کل سود خالص برساند. کویت نیز در این عرصه فعال بود. کویتی‌ها که توانسته بودند سهم خود از سود منابع نفتی را در سال ۱۳۲۷ ه.ش (دو سال قبل از ملی شدن صنعت نفت ایران) به ۵۰ درصد برسانند، در سال ۱۳۵۲ این سهم را به ۶۰ درصد افزایش دادند. در قطر، ونزوئلا و دیگر کشورهای نفت‌خیز نیز همین شرایط حاکم بود. در چنین وضعیتی و با گذشت ۲۰ سال از اجرای قرارداد کنسر سیوم، ایران نتوانسته بود تغییری در سیاست‌های نفتی خود به وجود بیاورد. اعضای کنسر سیوم مکرراً قرار داد را نقض کرده بودند و این تأثیر منفی فراوانی بر وجهه بین‌المللی رژیم داشت. به همین دلیل شاه در ۶ بهمن ماه سال ۱۳۵۱، طی سخنانی به انتقاد از قرارداد ۱۹۳۳ پرداخت و اعتراف کرد که ایران مجبور به امضای این قرارداد بوده است. البته شاه در باره دلایل این اجبار سخنی نگفت. او مدعی شد که با توجه به تغییر شرایط بین‌المللی، قرارداد نفتی سال ۱۹۳۳ دیگر مقرون به صرفه نیست. شاه با گرفتن ژستی وطن پرستانه ادعا کرد که ایران به لحاظ سیاسی، اقتصادی و نظامی، نیرومندترین کشور خاورمیانه محسوب می‌شود و کاملاً قادر است از منافع خود محافظت کند. او دور آبرایی رفع آن چه که مناقشه و بحران می‌نامید، پیشنهاد کرد. راه نخست ادامه قرارداد کنسر سیوم تا پایان دوره آن (سال ۱۳۵۸ ه.ش)، با این شرط که کنسر سیوم درآمد ایران از فروش نفت خام را در درآمد نفتی کشورهای حاشیه خلیج فارس کمتر نباشد و میزان صادرات نیز، به تدریج، به ۸ میلیون بشکه در روز برسد. راه دوم قرارداد جدیدی است که کنسر سیوم بر اساس شرایط داخلی و بین‌المللی با ایران منعقد می‌کند. به گفته شاه: «در این صورت ایران مالک واقعی صنایع نفت خواهد بود و شرکت‌های عضو کنسر سیوم مشتری ایران خواهند

۴۵/۶ درصد سهام کنسر سیوم دست پیدا کرده بودند. افزون بر این، انگلیسی‌ها توانستند بابت لغو قرارداد ۱۹۳۳، ۴۶ میلیون پوند خسارت و ۶۰۰ میلیون دلار به عنوان فروش سرقتی دریافت کنند. شاه نقش مؤثری در تصویب این قرارداد داشت. او از مجلس خواسته بود که بدون فوت وقت، قرارداد را تصویب کنند. آنتونی ایدن، وزیر خارجه وقت انگلیس، در خاطراتش می‌نویسد: «شاه در جلوگیری از تأخیر زیاد مجلس در تصویب قرارداد که ممکن بود آن را به کلی منتفی سازد، نقش قاطعی را بازی کرد.» با این حال شاه و امضاکنندگان قرارداد می‌دانستند که تمجید از قرارداد کنسر سیوم کاری بی‌بهره است. علی‌امینی، وزیر اقتصاد و دارایی و عضو تیم مذاکره‌کننده ایران، طی سخنانی در مجلس گفته بود: «هر چند این قرارداد مطابق ایده آل ملی ایرانیان نیست، اما در شرایط حاضر، بهتر از آن را نمی‌توانیم به دست آوریم، «آیا شاه و اطرافیان‌ش واقعا نمی‌توانستند بهتر از این قرارداد را به دست بیاورند؟ پس از انتشار متن امتیاز و اگذار شده، مخالفت‌های فراوانی نسبت به آن صورت گرفت، حتی رضاعلی دیوان بیگی، نماینده مجلس سنا، طی سخنانی در این مجلس، در باره قرارداد گفته بود: «ملت ایران برای این قرارداد ارزشی قائل نیست و به هیچ وجه، خود را مسئول تعهدات ناشی از آن نمی‌داند. «اما دیگر کار از کار گذشته بود. قرارداد کنسر سیوم ۱۱۳ رأی موافق، ۴ رأی مخالف و یک رأی ممتنع در مجلس شورای ملی تصویب شد. برخی معتقدند بسیاری از نمایندگان اصولاً از متن قرارداد که پیش نویس آن در لندن تهیه و از زبان انگلیسی به فارسی ترجمه شده بود، سر در نمی‌آوردند؛ ادعایی که چندان قابل اثبات نیست.

تغییر شرایط، دلیل اصلی کنسر سیوم دوم

با تأسیس مجمع کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) در سال ۱۳۳۹ ه.ش، شرایط اقتصاد نفتی در جهان تغییر کرد. کشورهای صاحب منافع نفتی در پی تحصیل سود بیشتر و تحکیم حاکمیت خود بر منابع نفتی کشورشان برآمدند. دولت عربستان سعودی



از سمت راست، «محمد علی فروغی» و «حسین علاء»، اعضای هیئت نمایندگی ایران برای امضای قرارداد ۱۹۳۳

